جامعه نزاري قهستان از نگاه محتمل ناصرالدین

چکیده
در فرن هفت هجری (سیزدهم میلادی) قهستان در کار کرد و شام یکی از سه مرکز بزرگ نزاریان به شمار می‌رفت و پس از حمله مغول و پیش از پیروش هولاکو گسترش و اهمیت چشمگیری یافت. از وضعیت اجتماعی و روابط درونی این جامعه کسی آگاهی بندی نداشت. پس از آن بیرون بان که و پیشنهادی از نزاریان خبر دادن. معدود مانعی نیز که از درون جامعه نزاری باقی ماند بیشتر کتاب‌ها و رساله‌های اخلاقی بود که خواجگان نظامی طبیب به سفارش رئیس نزاریان قهستان محتشم ناصرالدین تأیید یا ترجمه کرده. در نیود مانع بی‌درنگ شده بودن از همین کتاب‌های اخلاقی به‌ویژه/اخلاقیات محتملی درباره درون جامعه نزاری آگاهی هایی بیشتری یافت. فرض بر آن است که علاقه‌مندی ناصرالدین محتمل رئیس و اندیشمند جامعه نزاری سفارش دهند. اصلی این گونه کتاب‌های اخلاقی نه از سر نهن و سرگرمی ادبیات، بلکه سودمندی آن را برای جامعه نزاری معصر خود به دنبال داشت. اوا/اخلاق محتملی را آگاهانه گزینش کرد و ترجمه و تدریس آن را به خواجگان تصریح داد تا برای کتاب را ابتدای همگون این نقشه بریشکی آسان با بیماریهای جامعه نزاری قهستان داشته، اگر در را از چشم پیریونی بوده یا ترکیبی شناخته در این کتاب آتیک است. این مقاله بر آن است کتاب/اخلاق محتملی را از راه تقد درونی و پیرنی تاریخی بزرگاوارد و ایجاد اجتماعی و قهستان را در فصل سالهای ۱۸۱۷ تا ۱۸۵۴ هجری در مقایسه با آگاهی های پراکنده پیریونی بازخوانی.

کلیدواژه‌ها: اخلاق محتملی، اساسیت قهستان، قهستان نزاریان، تصریح کتاب محتمل، ناصرالدین.

محتمل ناصرالدین.

maryammoezzii@yahoo.com

@ اسنادار دانشگاه فردوسی مشهد
تاریخ دریافت: ۲۷/۱۰/۱۳۱۸تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۰
مقدمه

در گیروخور تهاجم مغول به ایران و در حالی که جامعه ایران، دوره ناساپامانی‌های ناشی از آن را سپری می‌کرد، نزدیکی‌های ایران در اوج قدرت بودند. پژوهشگران به روابط قرون آنان با همکنش‌های دور و نزدیک، کمیابشونده توجه کردند. اما کمتر کسی وضعیت درونی جامعه‌ای نزدیک را بررسی کرد که می‌توان مطمئن بود که آن را در دست نبوده درمان دانست. نوشته‌ها و کتاب‌های خود نوزده‌ی هم تطور عمد به دستور مغولان و ایرانیان به دست معه‌ساتان اهل سنت از میان رفت. در حالی که مورخان قرون آنان از درون جامعه‌های نزدیک جدیدی ناشستند، همان اندک اطلاع‌ها نیز با چنان خشم و کیفیت ی همراه بود که نمی‌شد به آن اطمینان کرد. در این میان بازتابی از نوشته‌ها که درون جامعه‌های نزدیک می‌璠قی ماند از جنس تاریخ نبود بلکه بیشتر کتاب‌های اخلاقی تأیید و ترجیح خواهان نصیرالدین طوسی به پیشرفت که به‌ظاهر رنگ و بی‌رو اسماعیلی‌هاشان، یا اگر داشته با تجدید نظرهای بعدی نویسندگان حذف شد. مغولان به طوشی احترام می‌کشانند، بنا برایان نوشته‌های او کمتر آسیب دید.

تا آنجا که جستجوی دو پژوهشگر به این کتاب‌ها بصورت منبع تاریخی، به‌ویژه تاریخ اجتماعی توجه ناشسته‌اند. فرض این مقاله ان نمی‌کنم گاه در روزگار خود مورد نیاز، مورد قرارگیری یا سفارش گزارش آن داده می‌شد. به معنای این است که نیازی به آن وجود نداشته است. بررسی اصلی این است که جامعه نزدیک قهستان چه نیازی به کتاب‌های اخلاقی داشته است و چرا؟ از این رو کتاب‌های اخلاقی که در دسته‌های تأیید و ترجیح شده است منبع اصلی تاریخ اجتماعی جامعه نزدیک قهستان قرار گرفته و کوشش شده است. تا با دستگاه‌های متابولیک و تجزیه و تحلیل محتوای آنها به پیش‌بینی جامعه نزدیک پی برده شود. مطالب دست‌آمده با آگاهی‌های پراکنده‌ای که پژوهشپذیر به دست داده‌اند، مقابله و به جزایی این نیازهای پاسخ داده شده است. همچنین تاریخ اجتماعی نزدیک‌های ایران به‌ویژه جامعه نزدیک قهستان معرفی شده است.

نگارش کتاب‌های اخلاقی

به هنگام پرش مغول بر این سیده هفتم هجری، در جامعه ایران و در ایران به‌ویژه جهان قهستان، کتاب اخلاقی به سفارش رئیس و «جهاد شخصی» نزدیکان در دیار به‌ویژه دردست‌آمده که اخلاق‌شدنی‌ها، اخلاق‌شناسی و ادبیات برجسته لولد صغری از آن جمله‌اند (طوسی، مکیان: ۱۳۵۲، طوسی، ۱۳۶۱، این مقاله: ۱۳۶۱، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۳، رضوی، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، مدرس رضوی، ۱۳۵۵). سفارش دهنده جهان‌نوازی اخلاقی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۱
اين كاتبها، يعنى ناصرالدين ابنالفتح عبدالرحيم بن منصور نجعى اشتري، خود مردى
ادب و دانشمند و ينابير كاظم‌های خواجته مصلة‌الدين طوسي بسیار علاقه‌مند به کتاب‌های
اخلاقی بود تا آنگاه که برخی برای نشان دادن میزان ارتدخ خود می کوشیدند کتابی در اخلاق
باباند و به ای‌های دهدن. محضنما ناصرالدين نیز هرگاه در جمعی از ادبین و انگلیس‌شناسان قرار
می‌گرفت آنان را به تکرش کتاب‌های اخلاقی تشونیق می‌کرد (طوسي، ۱۳۶۱: ۴۹۸ - ۴۹۹).
او خود نیز روژگاری به کردآوری آیه‌های قرآن و دروازه بهای‌ماهان و امامان و سخن‌نامه‌بندی‌نامه
از داعیان و برگران دین و دانش همت مگامرد. اما مجله‌های آنها را به تکرش دوآورد و
سراوانر ایجادشته‌های خود را در اختیار خواجته نهدآ تا به تدین و ترجمه آنها پردازد.
همچنین از او خواست که به همین شیوه سخن‌نامه از داعیان برگ و دیگر انگلیس‌شناسان بر آن
بیفاید. خواجته نیز جنین کرد و حاصل کار اخلاق محضنمنی نام گرفت (طوسي، ۱۳۶۱: ۵۱ - ۵۲).
که به‌طوری‌اندروژنوویسی ایرانی‌اند نژادکت بود (زریاب خویی، ۱۳۶۱: ۵۱ - ۵۲).
آنچه در انجا به ذهن می رسند این است که آیا محضنمنی علاوه‌ای اداه‌ان و روشن‌فرانک‌صرف
به کتاب‌ها و مطالعات اخلاقی داشته یا گراش او به اخلاق و کوشش در راه تکرش و
ترجمه کتاب‌های اخلاقی از سر احساس نیاز در جامعه بوده؟ پاسخ به این پرسش را می‌توان
از مقدمه‌ای اخلاقی به دست آوری دخواه‌نیست. اما این کتاب‌ها محضنمنی‌ی از او
خواست تا کتاب‌های اخلاقی ایفعتی مشکویا را به فارسی برگرداند و در اهمیت آن جنین
گفت: اهل روژگار که از حرفت ادب خالی‌اند، اگر از مطالعه جواهر معنایی چنین دفتری به
زینت فضائلی حاکی شوند، احیای خبری بوده‌رجه‌ه وچه تامام‌ه (طوسي، ۱۳۶۱: ۵۳ - ۵۴).
بیان‌باتی‌ان میدینه، گراش ناتزارالدن محضنمنی به اخلاق، سرگرمی انتزاعی و ادب‌نامه‌بود،
بلکه او به سودمندی آن می‌اندیشید که احیای خبری بوده‌رجه‌ه وچه تامام‌ه. اما اهل روژگار
که رئیس جامعه قهستان از آنان یاد می‌کرد چه کسانی بودند و چه یادی و بی‌اخلاقی‌ای از
آن سر زده بود که آن گونه از آنان یاد می‌کرد؟ با توجه به اندیش دوی جامعه‌های نژادی و
ارتباط آنان با چهار برون و حتی با پدر و بی‌بی‌تر یافته که می‌توان لاوره‌ه از اهل
روژگار، همان نژادیان و به‌وجود دار‌نظام قهستان بوده، اما اینکه اسلامیان قهستانی‌ه چه کرده
بودند که او آنان را خالی از زینت ادب معرفی می‌کرد، آشکار نیست.

قهستان نژادی

از مطالب پراکندگی در مانع تاریخی روشن می‌شد که قهستان اسلامی‌ه در آن روژگاران یک یا چند قلعه
جستارهای تاریخی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
نبو، یک همه شیرها، روستاها و دره‌ها بسیاری را شمل می‌شود. شهرهای تون، طبس، میان، طبس جنوبی، گناباد، ترشیز (همدانی: ۱۳۸۷: ۲۸ - ۳۹)، خور، خسروی، زرزمی، بیرجند، زرگره و مؤمن‌آباد به عنوان مراکز قهستان را به‌ویژه بودند (مستوفی: ۱۳۸۷: ۲۴-۲۵)، (Eboo Jamal, ۲۰۰۲: ۱۴۲ - ۱۴۷، حاجی سیدموسوی و دیرگان: ۱۳۸۸: ۱۷۱ - ۱۷۳: ۶۷)

جوینی از پنجاه و منهج سراج از هفتاد قلعة خبر مبیده (جوینی: ۱۳۸۷: ۱۳۷/۳؛ منهج سراج جوزجانی، ۱۳۳۴: ۱۸۸) پس از حمله‌های نخستین مغول قهستان نزارت به علت از میان رفن قدرت‌های برگز در حال گسترش، دست کم به سوی جنوب بود. چنانکه قلعه شهنشاه در نیا میان آنان و مالک تاج‌الدین یلخان‌یینی، مالک خوارزمشاه نبوده با دست می‌شود (منهج سراج جوزجانی، ۱۳۳۴: ۱۸۵-۱۸۶). سیستان نیز از دعوت‌ها و دخالت‌های آنان در امان نبود و نزاریان در دوره‌تفریق میان خوارزمشاهان و ایلخانان، در قلمرو مولک نبود.

بدين ترپی اهل روزگاری که محضیت قهستان از آن می‌دانند نمی‌توانند دشمنی همگان و همگی متعکف به مذهب واحدی باشند. چه بسیار غیراصماعیان یا نوآمیتیان که پس از تصرف شهر و دیارشان به دست نزاریان به تابعیت آنان در آمدند بودند، یا آنکه آشایی عمیقی با مذهب اسلامیه یا همچنین شدیدی با نزاریان داشته باشند، چنانکه شمار سی مذهبان زرزن به روزگار استیلای نزاریان تا به آن اندوزه بود که برای خود مستعده جامع و مدرس ساکن‌نده (بازورث: ۱۳۸۲: ۲۷۷-۲۷۸). تا آنجاه که روشن است جامعه اسلامیه قهستان در این دوره تفریق نزدیک به نیم قرن چندان آرام نبود. نشانه‌های این جامعه نازارت را می‌توان چنین برخورداری:

۱. نارضایتی گروه‌هایی که قهستانیان از اعلام قیامت، تا به ان اندازه که برخی ترک دیار کرده‌اند. گروهی دیگر که نمی‌خواستند شهر و اموال خود را به خلا رساند نازارت سکوت کرده‌اند.

۲. عروض شدن چندین رئیس در فاصله زمانی حدود سه سال، یعنی از سال ۱۲۶۷ به نخستین سفر منهج سراج به قهستان بود (منهج سراج جوزجانی، ۱۳۳۴: ۱۸۳) تا سال ۱۲۶۹ که تاریخ به حکومت رسیدن محضیت ناصرالدین است (دری: ۱۳۸۷: ۴۶-۴۷). در این فاصله از سه محضیت سه ماه تابستان منصور ابوالفتح، محضیت شمس‌الدین حسن اختیار (منهج سراج جوزجانی، ۱۳۳۴: ۱۸۳) و محضیت ناصرالدین نام برده شده است.

(دری: ۱۳۸۷: ۴۶-۴۷).

جستارهای تاریخی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زرستان ۱۳۸۹
مريم مسی

3. شورشی که در قهستان درگرفت و به کشته شدن چند تن از مهمانان غیرمطمعنی انجامید (منهج سراج جوزجانی، 1334هـ، 188-189هـ).

4. شکایت نزاریان قهستان به الموت به سبب کشته‌شدن مطمعن شهاب‌الدین در پذیرایی از دانشمندان غیرمطمعنی که از هجوم مغاز بالاحرف به آن دیار پناه برده بودند و چایگری، سپاهی مردی از پرکار اسامی (منهج سراج جوزجانی، 1334هـ).

این منبع تاریخی از جامعه نزاری قهستان اطلاع دیگری نمیدهد اما به نظر میرسید

بتوان از کتاب اخلاق مطمعنی آگاهی یازادی بیشتری به دست آورد، با این دیدگاه که ناصرالدین مطمعنی، رئیس و اندیشمند نزاری، مطالب آن را به دست خود و آگاهانه گریئش کرده بود، مطالب این کتاب را یاد همچون نسخه پزشکی تلقی کرد که یا آگاهی از جامعه نزاری، یا را برای درمان بیماری جامعه خود نوشت به دید. بنابراین اگر قهر دردهای جامعه مذکور برای پژوهشگر تاریخ روشن نبست، ولی او بررسی داروها تجویز‌شده پزشکی که از نزدیک بیمار را می‌شناساند، می‌توانند دردهای او را تشخیص دهد. با این نگاه به اخلاق مطمعنی آگاهی می‌شود که نادری‌های جامعه نزاری قهستان در چگی ریشه داشت.

جان‌ماهی/اخلاق مطمعنی

مطالب کتاب اخلاق مطمعنی را می‌توان در شش بخش دسته‌بندی کرد:

1. مطالبی که مربوط به اصول دین می‌شود، همچون معرفی خدا، دین، نبوت و امامت (طووسی، 1361هـ، ص 135-136).

2. مطالبی که مربوط به فروع دین می‌شود، مانند تولی نبرد و جهاد (طووسی، 1361هـ، ص 136-137).

3. مطالبی درباره شرف عقل و علم (طووسی، 1361هـ، ص 138-148).

4. مطالبی که به اخلاق فردی اختصاص داشت و می‌توان آنها را به دو گروه اخلاقی تانستند پسنتیم کرد:

الف. اخلاق نابسن، مانند حرص، طمع، حسد، حقد، عدل، تکبر، تجارب، نگهداری، اصلاح و جمع مال (طووسی، 1361هـ، ص 138-149).

ب. اخلاق پستیمید، مانند حمل، عفو، کظم غیظ، توافق، خفیف جناح، سخان، کرم، ایثار، شجاعت و ثبات قدم (طووسی، 1361هـ، ص 138-149).

جیست‌نامه‌های تاریخی سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان 1389هـ
دردهای جامعهٔ نزاری قهستان

حامی دیده‌مندی از مطالب داروی کدام یک از دردهای جامعهٔ نزاری قهستان بود.

1. شناخت ناکافی از دین و مذهب

مطالب گروه یکم برایی برای جوانان، نوکیشان و ناشناخته از این اسماعیلیه به کار می‌آمد تا به ترتیب این اسماعیلی‌ها دسترسی داشته باشند. در گروه دوم، مطالب گرداری شده درباره فروع دین فقط شامل دو حکم از وابستگی به شریعت می‌شد که توییل، و اجرای که خواهید بود. در این موضوع نگاشت (طوسی، ۱۳۶۱: ۵۷۰) و دیگری جهاد که به معنا کوشش در راه دین خدا و مبارزه با دشمنان، آن را دشمنان جامعه نزاری بود. برای تدریج جامعه نزاری برای دفاع نیازمند قوی‌تری این دو حکم در میان مؤمنان بود و محتشم ناصر نیز به این نکته توجه و واکنش داشت.

آنچه جابجایی در این کتاب حایل است، یک توجه به دیگر حکم‌های فروع دین مانند نماز، روژ، زکات، حق و جز آن بود. در حالی که در دیگر کتاب‌های اخلاق این عصر خیرین مباحث دیده می‌شد (علی‌اکبر، ۱۳۵۴: ۱۳۹، عصرالملوک؛ دهسین، ۱۳۸۲: ۹۳ - ۹۹). این مشله به دیگر تعاریف دوباره نیست، یعنی از دیدگاه نزاری بیان می‌کرد. محتشم نزاریان به ترتیب دومی را به شمار می‌رفت و از نظر مرتبه نیز در زمره هم‌رده وحیدت بود. یعنی در شمار خواص معلولی قرار می‌گرفت که می‌توانست از تمام حفاظت دین آگاهی پایند (طوسی، ۱۳۵۰: ۱۵۲، دفترو، ۱۳۸۷: ۱۳۰) و به اختیار بالا چاراکتر شارح نظریهٔ قرار داشته. بنابراین این نم اخلاق درونی باید به جامعه خود در نوجوان کن. پس اگر در مطالب اخلاقی چگونی‌شده که، موردی باید توجه به احکام، ظاهری شروع وجود نداشت.

می‌توانست به معنا نای سودمندی آنها در باورهای نزاری باید.
مهمان نازی‌کار

برخی دیگر نازی‌کارانی ها را می‌توان در پاره‌ای از اختلاس جمعی جامعه زناری ارتباط داشته بافتند. به نظر می‌رسد وضع اقتصادی و طبیعی بارش انسان برف و باران در منطقه‌ای از دیرباز مردمان محلی را از گشاده‌های بازی داشتند. از سوی دیگر، کسانی که ویرانی‌های مغولان را شنیدند و تهیه‌کننده و یکی از آوارگان را در جنگ اندک و هدایت می‌رسندند. می‌توانند قیامت را در معای باطنی آن دریابند (طوسی، 1950: 42). بدانی ترتیب مشخص است که داروهای تجویز‌شده برای جامعه نازی به‌طور کامل با نظریه حاکم بر آن جامعه هم‌اکنگ بود.

2. ضعف همبستگی

در این میان دو خوی سپیده، شجاعت و ثبات قلمبا به شدت هم‌خوانی نداشتند. شاید محتمل است فهشسار آنان را فقط برای تقویت بیشتر جامعه خود توصیه باید کمک بود. در جامعه خود که کج بود اگر به چگونگی تسنیم نازی که فهرست فهرست به نورهای مغول توجه شود و با دیگران جامعه‌ها و دژهای نازاری مقاومتی شود، شاید بتوان نظر محتمل ناصرالدین را تأیید کرد.

جستارهای تاریخی، سال 1403، شماره دوم، پاییز و زمستان 1389

مریم مژی 87
جامعه نزاری قهستان از نگاه محضی ناصری‌الدین

مورخان آورده‌اند که هولاکو برای تسخیر الموت، شمس‌الدین کریت، از ملک محتل هرات و مؤسّس سلسله خاندان کریت را ندز نزاری قهستان فرستاد و آن را دعوت به تسیّم کرد. رئیس ان دیار که در آن هگام محضی ناصری‌الدین بود، بدون هیچ گونه مقاومت، و بدون هرگونه مقاومت را، به‌طور تلقیحی از بزغالان قهستان به زیر آماد و تسیّم شد (جوشی، 1937: 272). محدودیت، 377. از میان شهروندان، روستاییا و زندانی‌ها بهترین جهانیان در ابتدای داشتن، در شهر نخست توان، ترشی و زیرکوه مقاومت کرد (11: 1977) و درگیری از مقاومت قبیه مناطق در دست نیست. به نظر می‌رسد، نزاریان محلی‌های دیگر قهستان بودن استادگی خود را به معلولان تسیّم کرده باتشند. این موضوع را از ساده‌سازی آنان نیز می‌توان دریافت. آنگاه که معلولان ایفی از نزاریان قهستان را... این سر درمان‌گی و بی‌برگی در بی‌خامت به دشمن برآمده بودند به‌مانند استفاده در پایان‌های شعری، معلول فراهم آورده‌اند... گردن زندان (همدانی، 1337: 100-132). معلولان بیشتر از آن توان را که در برابر مقاومت کرده بودند، ورتن نزنده و چندان از آن دیار بهره گرفته که به‌گزارش می‌باشد، خراسان از برهه بر شد (آملی، 1313: 109-111). این وضعیت را می‌توان با دیگر منطقه‌های نزاری ایران مقایسه کرد.

سکانی خود را که امام نزاری آخرین روزهای زندگی خود را در کرال آنان به سر برده تا سه روز پس از تسیّم شدن او به معلولان و با وجود دستور توقف جنگ از سوی امام خود، با سپاه مهاجم جنگ بدست (جوشی، 1937: 272). لمسر تا یک سال در برخی معلولان پایداری کرد (جوشی، 1937: 272-273) و در کروکا تا سبیله سال پس از آن همچنان مقاومت می‌کرد (آملی، 1313: 110-112) در حوالی که هیچ امید وجود نداشت. امام، فرزند و بیضانی از خاندان او به‌تقل شیوه و دیگر جامعه‌های نزاری ایران مشابه شده بودند. نزاریان در شهرها و روستایان خود، بیشتر بیرون بودند و مردم الهی نداشتند.

چرا محضی ناصری‌الدین مقاومت نکرد و در کار نزاریان قهستان نماند؟ چرا تسیّم شد و معلولان او را به حکومت نبود ورتن شده کاشتن؟ چرا محضی ناصری‌الدین شهروندان و حتی دژران قهستان مقاومت نکردند؟ چرا محضی ناصری‌الدین شهروندان با شجاعت و ثبات قدم قهستانیان اطمنان نداشتند؟ آیا یا چهارزبانی شکست سکانی آن دیار بر ضد خود بود؛ همان نگرانی که برای سواری در روزگار محضی شهابین در برابر شد و بی‌توجهی بود که باشد. چهاردهم اخلاق محضی‌ها به مبهم دیداره اجتناب از شورش اختصاصی‌یافته که اگر وقتی بود باید در توجه این که گسترشگی جامعه نزاری قهستان، وجود سکانی غیر‌اسلامی و ناضلی‌ای اساسی مذهب را که به ضعف و پیش‌نشستگی جامعه می‌انجامند، در نظر گرفت.
4. دنیاگرایی

محتشم قهرمان جامعه خود را به ترک دیگر، رضا و تسلیم در پرایر مشیت الهی، تولید، زده و فقر دعوت کرد. به تاریکی اصلیت، این روزگار"بین از آنچه باشد، دیدار، بودن و به آن دلستگی داشته. درحالی که توسعه‌های اخیر که رنگ و بوی عرفانی داشته با عرفان‌گرا، دیگر جامعه‌های اسلامی و اندیشه قیامت که خود از جنس معرفت شهودی بود (هاجسین، 1346: 133) نیز هماهنگی داشت. این امر نشان می‌دهد که جامعه نزاری از نظر فکری از یک‌سو با تجربه دیگر جامعه‌های اسلامی و از سوی دیگر از اجزای درونی خود هماهنگ بود.

1. هماهنگی فکری با بیرون

جامعه اسلامی فرق هفتم هجری با شتاب به سوی عرفان صوفیانه پیش مرفت. عرفانی که از زده اسلامی فرق نکشت، ریشه گرفت، در سده‌های بعد با فلسفه‌نواه‌البیطینی آشنا و با محبتش و عشق مهری و مسیحیت آمیخته شد، به صوفی‌پروری و تصوف کشیده، هم‌زمان با حمله مغول به ارگ رسمی، صوفیان پلنداوانه‌ای همچون عطار و مولوی به بار آوردند. دیگرگونه را ترغیب کرد و خاطراتشان را روی مخدش (زرن کوب، 1344: 51 – 91).

بدین ترتیب با مقاله‌سیر تفکر اسلامی به تاریخ فکری جهان اسلام روشن می‌شد که اسلامیان همیشه دوش به دوش مسلمانان دیگر گام برداشتند و گام‌ها از آنها پیشی گرفتند. روزگاری که جهان اسلام سرگرم بحث‌های عقلانی معنجله و مکتب‌های بیگانه و فیلسوفانی که از آنگونه را می‌پرورانند (کربن، 1384: 226 – 237، 277 – 278) اسلامیان نیز فلسفه نباک خود را عرضه کرده و متفکرانی که او پیشانی را روی مقوله سنجش و همقداری به فیلسوفان، حکمت و میان‌الدوله کرمانی، مونی دردندان، شیرازی و ناصر خسرو را پرورش داد هنگامی که جامعه آبل مستهبان کرد شدند (Walker, 1996; Walker, 1999).

و ابناوکشان اشعار و مادریدیان کوری سبک را از دیگران برداشتند (کربن، 1384: 151 – 177، اسلامیان نیز از مناظره‌های خود به بحث‌های عقلانی کلامی (عالی الولائم والعالم، Yamanı، 2001: شهستنی، جعفرین مصوص‌یمن و "چهار قفل" حسن صالح پاپی، 2001: 44-54؛ Madelung & Walker) و شیعه‌ای اصلی با آن باعث گردآوری حیدر قلم را نوشته و کتاب‌های ذکری خود را کتبا. فارغ آشکار نشان دهنده تعالی اسلام را به شکل‌های مختلف نشان داد. در یک هم‌مانه‌هایی ها بود که خواندن جامعه اسلامی به معرفت شهودی کشیده شد و امام محمد غزالی از های وحی مدیره به تکن خلاقانه بانه برد.
60. جامعه نژادی قهستان از نگاه محطمن نادرسلاطین


4.2 هماهنگی فکری درونه

دستاوردهایی از اسلامی‌گردی در دوره همایون و منسجم بود. اگر در دوره فلسه‌گرایی مشایخ فاطمی و در جامعه آقاونانه‌شناسی مرور مصر، قاضی نعمان پرای اداره امور و ارائه قانون مدنی چندین کتاب به همراه دعایRESS، نوریه و پیام‌های اسلام، اقتدار، انقلاب و انقلابی را نوشته (نعمان نعمان، 1997: 1972). در جامعه نزاری ایران که نظریه قیامت به آن روح اشراقی بخشیده بود (هماهنگی، 1247: 322) برای برقراری نظم و آرامش از خواجاه نشرالدین طوسی درخواست شد تا کتاب‌های اخلاقي را به فارسی ترجمه یا تأیید کند. فقه فاطمی در برابر اخلاق نزاری، اّگرچه فقه، اخلاق هویتی نداشت، هر دو برای برتراپی یافتن جامعه ارائه طرقی می‌کردند: یکی با تحکم و دیگری با خواشی، یکی با حلال و حرام و دیگری با حسین و فتح. اما در این میان فقه، عقل و فلسفه تجربه‌ای و اخلاق با شهود و عرفان. حتی می‌توان میان دعایRESS، نوریه و پیام‌های اسلام که برای عادی جامعه فاطمی نوشته شد، نکته‌ای از همیشه، ویژه‌ای از اخلاقی، که میان اسلامی‌گردی همسانی بیافته. به همین شیوه‌ی میان دعایRESS، نوریه و پیام‌های اسلام که به اسلامی‌گردی اختصاص داشته و اخلاق محشمشی که به‌طور کامل با نزاری گری همسو بود، شیوه‌هایی پاف‌می‌شد.

5. در ریشه دروی

جامعه نژادی قهستان از درون و برون به سوی عرفان و دین‌گرایی راه‌های می‌شد. اینکه جامعه نژادی قهستان نا ممه‌ی این اسر روزی ناپذیره بود که به موفقیت سرویقی بخشی و دیار معروف باشید که تاثیر اخلاقیان در که بود. از مرکز کالیاکرین یا آن زرگاران و آخرين تحول‌های فکری دور تکمیل می‌داشتند. بابت قهستان که بیشتر روشنالی به (باتری، 1382: 275) نیز مزید بر علت می‌شد؛ زیرا به‌طور معمول تحول‌های فکری در روستاهای دیترن از شهروندی رخ می‌داد.

جبران‌های تاریخی سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان 1369
جامعه نزاري ایران در دوره فترت میان خوارزمش‌های و ابتدایان مغول و درست در همان روزگاری که به تألیف کتاب‌های اخلاق توجه کرده، موضوعی متنازی داشت. از یک سو قدرت‌های بزرگ و دشمن همچون خوارزمش‌های و اثبات آذربایجان دچار ضعف شدند و از سوی دیگر نزارتین با دو قدرت بزرگ عیان مغولان و عباسیان پوندو برقرار کردن. نزارتین از خلا بی‌وجود‌آمده سود جستند و زمین‌ها و دره‌هایی را در گیلان و گوین تصرف کردن. (امامی، 1326: 147، دامغان) را به دست آورده در (زیدی نسیمی، 1366: 147)، را تهیه کرده کردنی (تفریح، 1387: 472) و در جنوب فهستان نیز به سوی سیستان خیز برداشته.

جامعه نزاری انسجام در خروج توجیهی داشت و دهانی آنان پیاداری خود را در بر یورش‌های سده‌های پیشین بارها ثابت کرده بود. رختگی مسدود و تمایلات از درم برای پیاداری آنچنان می‌شده بود که دشمنان را نیز به حیرت واداشته بود (جعفری، 1967: 472- 477). چنان جامعه‌ای که هم در روزگار رهبر توئیبی همچون علامه‌ای محمد به نظر نیم‌سید که سر ایستادن داشته باشد. او حکومت خود را گسترش می‌داد، حکومت بر جمعه‌ای که دیگر همکاری که ابزار به خود حکومت نیز به جمعه‌ای که ابزار به خود حکومت و نماینده جمعه‌ای حکومت، نظیر به و اندیش‌های پرداخته و ارائه شود؛ همان کاری که قاضی نعمان برای حکومت فاطمی (49- 948)، ماردی برای بی‌پیمان شیعه‌مذهب و غزائی برای ترک‌تران سلجوقی کردن (لیبتون، 1359: 450- 459). چرا خواجاه نصیرالدین طوسی چنین به‌حییجی را برای نزاریان نبود؟

نیم‌توانست یا نمی‌توانست؟ اگر مسلمین از خواجاه در باروریخ خود نیز به اسلام‌یافتن پوسته بود، حتماً اکثر بین سفارش نیز داده نشده بود و او به عنوان انديش‌مدها آگاه از نیازهای جامعه‌ای خود بود، پاید ضرورت پرداختن به چنین موضوعی را درک می‌کرد و در سیاست مدن کتاب/اتخاذی ناصری به آن تحقق می‌بخشید.

نتیجه‌گیری

از دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل مطالب کتاب اخلاق محققین چنین بریم‌اید که جامعه اسلامی‌ایان فهستان در این زمان ده‌های زندگانی خود دچار آسیب‌های زیادی بوده.

جشن‌های تاریخی سال‌های شماره دوم، پایتخت و زمستان 1389
جامعه نزاری قهستان از نگاه محض نازی‌دان

1. آشنایی ناکافی با دین و مذهب که عامل اصلی آن گسترش‌دهی منطقه و وجود ساکنان غیراسلامی‌بایان و نوان‌آمیزی

2. مهمن‌دازمازی که رشته در وضع اقیانوسی منطقه همچون کهارشی محلی، وضعیت نبسامان و کم‌یافته‌های ناشی از حمله مغولان داشت.

3. ضف میهمانی که، از جمله دل‌هایی آن حضور ساکنان غیراسلامی‌بایان و مهاجرت

گروه‌زیگری از اسماعی‌اندیشی منطقه با انگیزه‌های قیامت بود.

4. دنیایی‌سازی که، حضور یافتنی قیامت جامعه نزاری و غرب نگاری‌گرایی صوفیه

دبیر جامعه‌های اسلامی آن عصر دانشگاهی بود و علت آن را می‌توان در انزوای منطقه‌ای یا فاقد سنتوستانی این جامعه با هر دو دانست.

یکی نازی‌بای در این کتاب به میزنه‌الرکه و در کتاب اخلاقی نادری‌بای پاسخ ماند که نازی

به نظره‌پردازی درباره حاکمیت امام نزاری و مسئولیت حکومت او بر نزاری‌بای بود;

کاری که خواهدی به عمد با به احترام کمتر، به‌سهو از آن غفلت کرد.

پی‌نوشت

1. نسخه‌ای خطي بدون نام و نام نویسنده مربوط به دوره فرحان می‌دانست خوارزمشیان و ایلخانان از

یکی از روستاهای قهستان در مرز افغانستان به دست‌آمده است. در این نسخه که با تصمیم و

افزوده‌های نگارندگی به‌صرفه است از به‌خصوص نزاریان در سیاست‌ها و به‌سوی‌اسماعی‌بایان گرویدن یکی

از ولک نیژکر، بخشی از دانش‌ها است.

2. در باب هنگام درباره حماست و عبادات و مواقف بر اعمال صالح به‌شک اما بدون تjqعی

باتصن آنها مورد نظر بوده است تا طاعته‌ها و عبادات‌های ظاهری (طویلی، ۱۳۱۳: ۵۴-۹۸).

منابع

آملی‌نوری، ا. «تاریخ قهستان»، به‌کوشش عباس خلیلی، تهران: اکمال، ۱۳۱۸.

ابن مقطاع، عباس‌الله، «الزمان الزمان»، مطبوعی نشر فارسی‌دین محمد طوسی، اخلاق محضی‌بی، به

کوشش محمد تقی داشته‌یوزر، تهران: دانشگاه تهران.

پازوری، س. «-operative» تاریخ و اندازه‌های اسلام‌بایانی در ماه‌های میانه، از جمله فردیون وارد، تهران: فرمان، روز

خانه‌سیمپوسیو، رساله، فرهنگ خاطمی ندوشی و حسن هاشمی زرقآبادی (۱۳۸۸)، «تاریخ‌نگاری تاریخ‌بایان

قهستان در دوران اسلامی»، مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۶، صص ۱۷۱-۲۰۰.

جعفری، عطافان، ۱۳۸۴، تاریخ جهان‌گشایی، به‌کوشش محمد فریدی، ج ۳، لیسان، بریل.

جبش‌های تاریخی سال‌های نازی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
دانش‌پژوهان و محققان دانشگاه تهران در زمینه مطالعه و تحقیق در مورد اسلام و اخلاق محتشم‌الدمی، به نوشتن مقالات، کتاب‌های، نسخه‌های، پژوهش‌های و اکثریت از این نکات در حال مطالعه و تحقیق هستند. دقت در اخلاق و پیامدهای آن در زمینه‌های مختلف از جمله الهام بخشی و اخلاقی به خواهد پرداخته‌اند. از این رو، دانشگاه تهران، به عنوان یکی از بزرگترین مراکز تحقیق و پژوهش در ایران، به مطالعه و تحقیق در زمینه‌های مختلف اسلامی و اخلاقی پرداخته است.

زهرا نامداری، دانشجویی در رشته فلسفه و مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، در مصاحبه با ما، پیامدهای اخلاقی و بشریت در تکامل اقتصادی و سیاسی ایران را نشان داد.او گفت: "به چشم می‌خورد که اگر بهتر بتوانیم به ارزشهای اسلامی و اخلاقی بپردازیم، می‌توانیم سلامتی و رشد اقتصادی، سیاسی و سویه‌های اجتماعی را تا حد زیادی بهبود بیابد."
نبی محمد (ص) تأثیر دین اسلام را تحقیق می‌کند. رحمت بیروت، مؤسسه عالی برای تحقیقات.

ویکیبروکس در کتاب از اسلامیتها برای ترجمه فردیناند. تهران، فرمان روز. هاگنس، مارشال. گ. س. 1346. ترجمه فردیناند. تهران و فرانک. همدادی، رشیدالدین. فصل الله. 1337. جامع التواریخ: تاریخ فردیناند و اسماعلیان الیسی. به کوشش محمد دیربریجی. تهران: طهرانی.


